



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

| | | | | | |
|---------|------------------------------|------|----|-------|------------|
| مقرر | حجت الاسلام محمد علی زحمت کش | جلسه | ۲۸ | تاریخ | ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ |
| عنوان ۱ | حجیت ظن | | | | |
| عنوان ۲ | ظنون خاصه | | | | |
| عنوان ۳ | سیره و اخواتها | | | | |
| عنوان ۴ | بررسی حجیت سیره عقلاء | | | | |

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

در مقدمه سوم از مقدمات بحث از سیره عقلاء گفتیم اگر سیره، معاصر معصوم بود، باید به گونه ای باشد که احراز کنیم که این سیره، یا سیره خود معصوم بوده و یا لا اقل مورد تأیید معصوم بوده است. هر یک از این دو، احتیاج به روش اثبات دارد که بحث خواهیم کرد که چگونه می توانیم اثبات کنیم که این سیره، سیره خود معصوم بوده است. هنگامی که اثبات شد که سیره، سیره خود معصوم بوده است، از باب فعل معصوم حجت خواهد بود؛ اما اگر نتوانیم اثبات کنیم که سیره، سیره خود معصوم است، باید از یکی از سه طریق ذیل موافقت معصوم را اثبات کنیم:

۱. سکوت معصوم در موافقت ظهور داشته باشد؛ یعنی سکوت، خود نوعی بیان باشد که ظهور حالی در موافقت دارد.
۲. از آنجایی که تبلیغ احکام بر معصوم واجب است، اگر مخالفتی داشت، باید بیان می کرد. اینکه معصوم مخالفت خود با آن سیره را بیان نکند، با وظیفه تبلیغ احکامی که دارد سازگار نیست.
۳. اگر سیره، مخالف با نظر معصوم بود، لازم بود معصوم از باب امر به معروف و نهی از منکر، از آن نهی کند و چون نهی نکرده است، کشف موافقت می کنیم.

در اینجا گفته می شود که مسأله وجوب تبلیغ و وجوب نهی از منکر برای اثبات مطلب کفایت نمی کند؛ زیرا ممکن است شارع در بیان، به عمومیات، اطلاقات و یا اصول عملیه اکتفاء کرده باشد و لازم ندیده که نسبت به خصوص این مورد، بیان خاصی را بیان کنند. در این صورت، طریق، منحصر در طریق اول می شود یعنی بگوییم ظهور، خود بیان است.

اگر سیره، سیره غیر معاصر با معصوم و مستحدثه باشد، روش اول (ظهور) مطرح نیست؛ زیرا این سیره در زمان شارع وجود نداشته که سکوت شارع در برابر آن ظهور در موافقت با آن داشته باشد؛ لذا اثبات موافقت به دو طریق دوم و سوم منحصر خواهد شد و برای اثبات موافقت شارع باید این دو طریق را مورد بررسی قرار داد که آیا می توان گفت که شارع باید مخالفت خود با سیره ای که در آینده ایجاد می شود را بیان می کرد زیرا شارع موظف به بیان احکام تا روز قیامت است و حوادث آینده را

نیز که می داند؛ لذا حتی به صورت قضیه تعلیقه (اگر چنین شد، باید چنین شود) باید حکم را بیان می کرده است؛ ولو اینکه این سیره، مبتنی بر موضوع مستحدث^۱ باشد.

این خلاصه مقدمه سوم است. بعد از بیان این مقدمات، به اصل بحث حجیت سیره عقلاء می پردازیم.

بررسی حجیت سیره عقلاء

گفتیم سیره، بر دو قسم است:

یک نوع سیره ای است که می دانیم اگر چنین سیره ای وجود داشته باشد، حتماً سیره معصوم نیز هست؛ یعنی ما می دانیم این سیره عقلاییه، سیره ای است که در ضمن آن سیره، سیره معصوم نیز باید باشد؛ به این دلیل که معصوم نیز عاقلی از عقلاء بلکه رئیس آنهاست و یا به دلیل اینکه این سیره بر مطلبی قائم است که از ضرورات زندگی بشر است و هر عاقلی باید درباره این سیره عقلاییه، رفتاری داشته باشد؛ لذا اگر رفتار شارع، همین رفتار عقلاء نبود، باید رفتار دیگری بر خلاف رفتار عقلاء می داشت - زیرا این مسأله، مسأله مبتلی به مردم است - که اگر چنین بود و شارع سیره دیگری بدیل سیره عقلاء داشت، حتماً آن بدیل برای ما نقل می شد. به عبارت دیگر از آنجایی که ما قطع داریم که مسأله از مسائل مبتلی به جامعه عقلایی است و حتماً شارع در این مسأله، رفتار و سیره ای داشته است که یا مطابق با همان سیره عقلاء بوده است و یا اگر سیره دیگری داشته، آن سیره حتماً باید برای ما نقل می شده است.

سیره قائمه بر حجیت ظهورات، از این نوع سیره است. مسأله فهم مراد متکلمین از نیازهای ضروری جامعه است و سیره عقلاییه در فهم مرادات، اعتماد بر ظهورات است و ظهور را حجت بر متکلم می دانند و متکلم را در برابر آن مسئول می دانند؛ لذا در دادگاه ها بر اقرار مقرر و شهادت شهود اعتماد می کنند. اگر شارع حجیت ظهور - که سیره عقلاء بر آن وجود دارد - را نمی پسندید، باید روش دیگری برای دست یابی به مراد متکلم می داشت؛ هم در رفتار شخصی خودش و هم در رفتار دیگران که به آنها باید می آموخت که باید اینگونه عمل کنید؛ چون چنین چیزی نیست، ما احراز می کنیم که شارع نیز رفتارش مطابق سیره عقلاء بوده است؛ علاوه بر اینکه اگر به آیات و روایات مراجعه کنیم می بینیم که در قرآن و آیات مثلاً آمده است «قال فلان»، و بر قول آنها آثار بار می کند؛ مثلاً منافقون چنین گفتند؛ مشرکین چنان گفتند؛ فرعون چنین گفت؛ و بعد بر اساس آنچه گفتند نیز قرآن کریم اثر بار می کند، نشان دهنده این است که خود قرآن کریم نیز همین روش را داشته است. وقتی از امام سوالی می شد، امام بر اساس ظاهر آن سوال، به آن سوال پاسخ می داد؛ این برای ما متواتر است و اگر امام ظهور سوال سائل را حجت نمی دانست، در همین سوال سائل، برای فهم مراد او به روش دیگری عمل می نمود؛ مثلاً از او سوال می کرد که آیا این معنا را اراده کرده ای؛ در حالی که امام چنین کاری انجام ندادند و مطابق با همان ظاهر سوال، پاسخ دادند.

۱. سیره مستحدث بر دو نوع است: یک نوع سیره مستحدثی است که بر امر مستحدث است؛ یعنی خود آن فعل یا عملی که سیره بر آن قائم است، چیزی است که بعدها به وجود آمده؛ مثل بانک، بیمه و استفاده از فضای مجازی که بعد از عصر معصوم به وجود آمده است. در این نوع سیره که خود موضوع مستحدث است، خواه ناخواه سیره نیز به تبع موضوع، مستحدث خواهد شد. در نوع دیگر سیره، موضوع مستحدث نیست؛ بلکه اصل فعل در زمان شارع بوده است؛ اما سیره چنین نبوده و بعد شکل گرفته است؛ مثل عقد نکاح که اگر کسی بگوید که در عقد نکاح یک سیره مستحدثه وجود دارد فرضاً.

همانطوری که در گذشته بیان کردیم، چنین سیره‌ای قطعاً حجیت دارد و مانند اجماع دخولی می‌شود؛ یعنی از باب اینکه قطع حاصل می‌کنیم فعل معصوم - در اعتماد به ظهورات در فهم متکلمین - نیز در این سیره وجود دارد، حجت خواهد بود. بنابراین اگر سیره معاصره معصوم، سیره‌ای باشد که برای ما احراز شود که متضمن سیره معصوم نیز می‌باشد، قطعاً حجت خواهد بود؛ البته حجیت آن به عنوان سیره بما هی سیره نیست؛ بلکه به عنوان اینکه این سیره ملازم با فعل معصوم است حجت است. فعل معصوم نیز که خود حجت است.

اگر آنچه سیره بر آن قائم شده، آنچنان عام نباشد که معصوم نیز ناگزیر باید رفتاری نظیر عقلاء داشته باشد یا اگر رفتار دیگری می‌داشت باید آن رفتار دیگر معلوم می‌شد؛ بلکه سیره عقلاء بر یک فعلی است که همواره مورد ابتلاء نیست و ممکن است که چنین فعلی از معصوم سر نزده باشد و اگر هم معصوم این فعل را انجام داده باشد، احیاناً انجام داده که لزومی برای نقل آن و یا ایصال آن به ما وجود نداشته باشد؛ در چنین موردی، حجیت سیره باید معتمد بر سه اصلی باشد که در گذشته بیان کردیم؛ اینکه بگوییم سکوت معصوم، ظهور در رضایت به این سیره دارد و یا اینکه بگوییم بر معصوم لازم بود از باب نهی از منکر و یا وجوب تبلیغ، مخالفت خود را بیان می‌نمود. در این دو راه اخیر، کلام و اشکال وجود دارد؛^۱ لذا در این نوع سیره، می‌گوییم سیره‌ای می‌تواند حجت باشد که ظهور حالی معصوم در موافقت با آن سیره را بتوانیم اثبات کنیم.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین

۱. اشکال آن در جلسه گذشته و ابتدای این جلسه بیان شده است مبنی بر اینکه: ممکن است شارع در بیان، به عمومات، اطلاعات و یا اصول عملیه اکتفاء کرده باشد و لازم ندیده که نسبت به خصوص این مورد، بیان خاصی را بیان کنند و دلیلی وجود ندارد که بر شارع لازم باشد با بیان خاص نهی از منکر کند یا با بیان خاص این سیره تبلیغ احکام کند؛ مگر اینکه سکوت ایشان، ظهور در موافقت با آن حکم داشته باشد که در این صورت بر امام لازم بود که علاوه بر عمومات و اطلاعات، با بیان خاص نیز این سیره را مورد نهی قرار دهد.